



The Oldest Fortune in Persian Verse

Abbas Bagjani^{*1}

Received: 09/05/2023

Accepted: 05/08/2023

Introduction

An omen is a sign or a symbol of good or bad future events, and fortune-telling is the prediction of these events based on these signs, which is done with the help of various tools. Fortunes are writings or poems whose sense and content are hints and interpretations based on which the diviner makes people aware of the goodness or badness of what he has decided to do, and for this, he either uses the fortune himself or gets help from fortune-teller.

The subject of this article is the correction and review of the Fortune written by Badr al-Din Jajarmi, one of the well-known poets of the 7th century AH (see Kashani, 999 AH, p. 322; Jajarmi, 1958-1971, 2/837; Samarkandi, 1939 AH, p. 219).

* Corresponding Author's E-mail:
abbas.bagjani@apll.ir

Research background

So far, the Fortune has not been recognized and published as it should be. Bagheri Hasankiadeh and Heshmati have corrected the text of this Fortune based on the manuscript of the National Library and published it in *Farhang and Popular Literature* magazine. They did not know the author of the poem and considered it to be taken from Iranian texts of the middle period (Bagheri HasanKiadeh, 2014, p. 1).

1. Faculty Member of Lexicography Department, Academy of Persian Language and Literature, Tehran, Iran.
<https://orcid.org/0000-0002-5381-8127>





Regardless of this mistake, due to the faulty manuscript, they could not give a correct and revised form of the text of the Fortune.

Objectives and questions

The purpose of this research is to introduce and correct Jajarmi's Fortune and tries to answer these questions: Is the Fortune the work of Badr Jajarmi? What are the surviving manuscripts of it? What is its structure and content? What are its linguistic and literary characteristics?

The main discussion

Jajarmi has explained the method of fortune-telling with his finger in Fortune. In addition to being the oldest Fortune in Persian verse that we know. This work has another advantage, which is a handful of surviving examples of this type of Fortune.

Fortune has a total of 71 verses and was written in Bahr Hazaj. This poem consists of two parts: introduction and text. The introduction of 21 verses is in the form of a Masnavi, and in it, the poet first praises the Lord and then the Holy Prophet. Afterwards, it mentions one or two moral advices and explains his motivation for writing the Fortune. Then, he explained the method of fortune-telling with finger, and finally he praised Baha'uddin Muhammad.

The next 50 verses are the explanation of omens. According to Jajarmi's explanation, two people are needed to make a fortune with this Fortune. The first person whose fortune is to be taken, after the intention, shows a number between 1 and 5 with the fingers of one hand, and then the second person does the same. In this method, the numbers are put together in 25 ways. Each of these states are



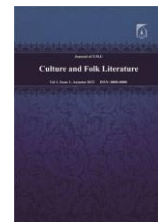
explained in a couplet and indicate the goodness or badness of a work or decision and resolve the doubts of the diviner about that work or decision.

Until today, we have known two Manuscripts of Jajarmi's Falnama:
1. Paris National Library Manuscript number 3365 (De slane, 1883-1895: 588; Richard, 2004, p. 72), which is a collection of 198 leaves with 15 lines in Naskh script. An unknown scribe wrote the Fortune in 764 AH; 2. National Library Manuscript number 17816, which was written by a person named Fulad Karb in 1113 in India in Nastaliq script on four pages of different lines.

The handwritten of the National Library of Paris has advantages compared to the version of the National Library: it was written 349 years earlier, its recordings are more accurate, it is healthy and it has not suffered from dampness or termites like the Manuscript of the National Library, it is more complete and has the 21-verses preface; therefore, its superiority is obvious and it is based on the correction of the text. Manuscript of the National Library is also useful in reading some verses and in some places where the recordings of handwritten of Paris were distorted or wronged, it has preserved or led to the correct form of the text.

Conclusion

In the 7th century, Badr al-Din Jajarmi arranged a Fortune in 71 verses and explained the method of fortune-telling with the finger. His poem is the oldest Persian Poetic Fortune that we know, and other Persian Fortunes that we have, were written or composed since the 8th century. In addition, the remaining examples of this type of Fortune are few and this doubles the value of Jajarmi's work. Until today, two



manuscripts of this Fortune have been obtained, one of which is kept in the National Library of Paris and the other in the National Library of Iran. Of these two, the manuscript of the National Library of Paris is more valid and valuable due to its privileges.

References

- Bagheri Hasankiadeh, M., & Heshmati, M. (2013). Prophecy and astrology in middle Iranian texts. *Popular Culture and Literature*, 3, 1-24.
- De Slane, B. (1883–1895). *Département des manuscrits: catalogue des manuscrits arabes*. Bibliothèque nationale.
- Jajarmi, M. (1958-1971). *Munis al-Ahrar fi daqaiq al-Ashar*. National Art Association.
- Kashani, T. (999 AH). *Khulasat al-ashar*, manuscript number 16769. Library, Museum and Document Center of the Islamic Council.
- Richard, F. (2004). *Splendeurs persanes: manuscrits du XIIIe au XVIIe siecle*, (translated into Farsi by A. Ruhbakhshan). Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Samarkandi, D. (1318 AH). *Tazkirat al-shoara* (edited by Edward Brown). Brill.

دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه

سال ۱۱، شماره ۵۳، آذر و دی ۱۴۰۲

مقاله پژوهشی

DOR: 20.1001.1.23454466.1402.11.53.2.2

کهن ترین فال نامه منظوم فارسی

عباس بگ جانی^{۱*}

(دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۹ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۴)

چکیده

فال نامه ها یکی از مظاهر مکتوب فرهنگ عامه اند. این آثار نوشته ها یا سروده هایی اند که مضمون و محتوای آن ها اشارات و تأویلاتی است که فال خواه براساس آن ها و طبق دستورالعملی خاص از خوب یا بد بودن کاری که عزم کرده است آن را انجام دهد، آگاه می شود. قدیم ترین فال نامه های فارسی که در دست اند، نوشته یا سروده قرن هشتم به بعدند. موضوع این مقاله معرفی و تصحیح کهن ترین فال نامه منظوم فارسی است که تا امروز شناخته نشده بود. این فال نامه ۷۱ بیتی را بدرالدین جاجرمی در قرن هفتم به نظم درآورده و در آن شیوه فال گرفتن با انگشتان دست را شرح داده است. دو دستنویس از اثر جاجرمی در کتابخانه ملی پاریس و کتابخانه ملی ایران نگهداری می شود و دستنویس کتابخانه ملی پاریس با توجه به امتیازاتی که دارد در این مقاله مبنای تصحیح قرار گرفته است.

واژه های کلیدی: بدرالدین جاجرمی، فال نامه، فال نامه انامل، فال نامه انگشت، فال نامه های

منظوم فارسی، شعر قرن هفتم.

۱. استادیار گروه فرهنگ نویسی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ایران.

*abbas.bagjani@apll.ir

<https://orcid.org/0000-0002-5381-8127>

۱. مقدمه

فال نشانه یا نمادی است از رویدادهای خوب یا بد آینده و فال‌گیری پیش‌بینی و پیش‌گویی این رویدادهاست براساس همین نشانه‌ها که با کمک ابزارهای گوناگون انجام می‌شود. فال‌نامه‌ها نوشته‌ها یا سروده‌هایی‌اند که مضمون و محتوای آن‌ها اشارات و تأویلاتی است که فال‌خواه براساس آن‌ها و طبق دستورالعملی خاص از خوب یا بد بودن کاری که عزم کرده است آن را انجام دهد، آگاه می‌شود و برای این کار یا خود از فال‌نامه استفاده می‌کند یا از رمال (فال‌بین، فال‌گیر) کمک می‌گیرد. فال‌نامه‌ها به‌طور کلی دو دسته‌اند: یک دسته از آن‌ها برای فال گرفتن استفاده می‌شوند و دسته‌ای دیگر تفأل به شیوه‌های گوناگون را توضیح می‌دهند. ابزارهای فال‌گیری نیز مختلف‌اند و از میان آن‌ها ستارگان و اجرام آسمانی، کتاب‌هایی از قبیل قرآن و دیوان حافظ، طاس (در رمل)، جداول و دوایر (در جفر)، اعداد، استخوان شانه گوسفند، انگشتان دست، کف دست، جانوران به‌ویژه پرندگان، و حبوبات به‌ویژه نخود شناخته‌شده‌ترند.

برای اعتبار بخشیدن به فال‌نامه‌ها و جلب اعتماد فال‌خواه، مطالب آن‌ها را به مشاهیر و بزرگان منسوب می‌کردند و این فال‌نامه‌ها به مرور زمان به نام همان‌ها شناخته می‌شدند، مانند فال‌نامه دانیال نبی، فال‌نامه اسکندر، فال‌نامه جاماسب، فال‌نامه بزرگمهر، فال‌نامه حضرت امیر، فال‌نامه امام جعفر صادق، فال‌نامه خواجه نصیر، فال‌نامه شیخ بهایی.

از کهن‌ترین فال‌نامه‌های شناخته‌شده به زبان فارسی می‌توان به این نمونه‌ها اشاره کرد: *فال مصحف مورخ* حدود ۷۲۳ق محفوظ در کتابخانه مجلس به شماره ۱۴۵۹۰

کهن‌ترین فال‌نامه منظوم فارسی _____ عباس بگ‌جانی

(طباطبایی، ۱۳۸۶، ص. ۵۷۷)، *فال قرآن* مورخ ۸۲۲ق محفوظ در کتابخانه مجلس به شماره ۴۵۵۹ (افشار، ۱۳۴۶، ج. ۱۲ / ص. ۲۴۱؛ نیز ر.ک. دانش‌پژوه، ۱۳۴۸، ج. ۱/ص. ۶۲۱)، *فال‌نامه امام جعفر و ضمیر خسروانی* هر دو مورخ ۸۸۴ق (Rieu, 1881, vol. 2/p.800؛ برای اطلاع بیشتر درباره فال و فال‌گیری و انواع و نمونه‌های فال‌نامه‌ها ر.ک. افشار، ۱۳۸۳، ص. ۷۶؛ درایتی، ۱۳۹۰، ج. ۲۳ / ص. ۵۴۷؛ افتخاری، ۱۳۹۸، ص. ۶۴۲؛ پوراکبر، ۱۳۹۸، ص. ۶۳۸؛ Omidssalar, 1995, p. 440).

موضوع این مقاله تصحیح و بررسی فال‌نامه‌ای است که بدرالدین جاجرمی در قرن هفتم به نظم کشیده و از این رو کهن‌ترین فال‌نامه شناخته‌شده فارسی است.

۲. درباره بدرالدین جاجرمی

بدرالدین جاجرمی از شاعران شناخته‌شده سده هفتم هجری است. مولد او جاجرم، از شهرهای خراسان، بود و ایام جوانی را همان‌جا سپری کرد. شاعری را نیز در جاجرم آغاز کرد، اما نتوانست ممدوحی شعرشناس بیابد که قدردان فضل و هنرش باشد و اسباب آسایش او را فراهم کند. پس، از خراسان به عزم خدمت بهاءالدین محمد (م ۶۷۸ق)^۱، حاکم وقت اصفهان، راه عراق عجم در پیش گرفت و در بدو ورود قصیده‌ای مصنوع در مدح او عرضه داشت و البته اشعار او نشان می‌دهد که بهاءالدین هم به گرمی از شاعر استقبال کرد و در حق او لطف‌ها نمود و جایگاه ملک‌الشعرایی اصفهان را به او واگذاشت (کاشانی، ۹۹۹ق، ص. ۳۱۹، ۳۲۲؛ سمرقندی، ۱۳۱۸ق، ص. ۲۱۹؛ صفی، ۱۳۳۶، ص. ۲۸۸).

جاجرمی در پرتو حمایت‌های حاکم اصفهان، به‌زودی صاحب مکنت و ثروت شد و به قول تقی کاشی «املاک و زراعت بسیار به هم رسانید و از حاصل آن به قدر مقدور دیگر موزونان را رعایت و خدمت می‌کرد» (کاشانی، ۹۹۹ق، ص. ۳۲۲). پس از مرگ زودهنگام بهاءالدین به سال ۶۷۸ق، شاعر همچنان تعلق خود به خاندان جوینی را حفظ کرد و با مدح دیگر بزرگان این خاندان از احسان آنان بهره‌مند شد. در سال ۶۸۳ق، مرثیه‌ای سوزناک در واقعه قتل شمس‌الدین محمد صاحب‌دیوان سرود و در آن بر بزرگی و عظمت از دست‌رفته خاندان جوینی مویه کرد. خود نیز سه سال بعد، در جمادی‌الآخر سال ۶۸۶ق درگذشت (کاشانی، ۹۹۹ق، ص. ۳۲۲؛ جاجرمی، ۱۳۳۷-۱۳۵۰، ج. ۲/ص. ۸۳۷).

از جاجرمی چند اثر بر جای است: ۱. دیوان که نسخه مدونی از آن در دست نیست و عباس بگ‌جانی در سال ۱۳۹۷ حدود ۱۲۲۰ بیت از ابیات آن را از جنگ‌ها و تذکره‌ها و به‌ویژه مونس‌الاحرار گرد آورده و در *متون ایرانی* (جاجرمی، ۱۳۹۷، صص. ۱۹۹-۳۴۶) چاپ کرده است؛ ۲. کتاب *اختلاج* (/اختلاجات اعضا/ اختلاج‌نامه/ منظومه در اختلاجات) که رساله‌ای است منظوم در قالب مثنوی شامل ۲۲۰ بیت درباره جهیدن برخی از اندام‌های بدن و پیشگویی بر پایه آن‌ها (جاجرمی، ۱۳۳۷-۱۳۵۰، ج. ۲/ص. ۸۶۱)؛ ۳. *اختیارات قمر* که منظومه‌ای است ۳۰ بیتی درباره بایدها و نبایدها در زمان حضور قمر در هریک از بروج دوازده‌گانه که در نجوم کهن به آن معتقد بوده‌اند. جاجرمی پس از مقدمه‌ای در شش بیت، احکام مربوط به هر برج را ضمن یک رباعی بازگو کرده است (جاجرمی، ۱۳۹۷، ص. ۳۴۱)؛ ۴. فال‌نامه که موضوع این مقاله است.

کهن‌ترین فال‌نامه منظوم فارسی _____ عباس بگ‌جانی

از آثار جاجرمی به دو نکته می‌توان پی برد: نخست اینکه او به پیشگویی، طالع‌بینی و موضوعاتی مانند آن‌ها گرایش و علاقه ویژه‌ای داشته است؛ دوم اینکه یکی از زمینه‌های دلخواه او به نظم کشیدن متون منشور بوده است و این به متون فارسی منحصر نمی‌شود؛ چراکه می‌دانیم او قصیده عربی «عنوان الحکم» ابوالفتح بُستی را نیز به شعر فارسی برگردانده است و از قضا بسیار مشهور شده و ابیات آن را در جنگ‌های متعدد نقل کرده‌اند (ر.ک. جاجرمی، ۱۳۹۷، ص. ۲۴۱).

۳. درباره فال‌نامه

فال‌نامه اثری است منظوم از نوع فال‌نامه‌های انامل که تاکنون چنان‌که باید شناسانده و منتشر نشده است. جاجرمی در این منظومه شیوه فال گرفتن با انگشت را توضیح داده است. فال‌نامه جاجرمی در کنار اینکه کهن‌ترین فال‌نامه شناخته‌شده فارسی است، امتیاز دیگری هم دارد و آن این است که نمونه‌های برجای‌مانده از این نوع فال‌نامه انگشت‌شمارند و این ارزش این متن را دوچندان می‌کند.

۳-۱. ساختار و محتوا

فال‌نامه در مجموع ۷۱ بیت است و در بحر هزج سروده شده است. این منظومه از دو بخش مقدمه و متن تشکیل شده است. مقدمه ۲۱ بیت در قالب مثنوی است و در آن، شاعر ابتدا به حمد و ثنای پروردگار و نعت نبی اکرم پرداخته و سپس با ذکر یکی دو توصیه اخلاقی، انگیزه خود از سرودن فال‌نامه را توضیح داده است. آنگاه شیوه فال گرفتن با انگشت را شرح داده و سرانجام ممدوح خود بهاءالدین محمد را ستوده است.

۵۰ بیت بعدی توضیح فال‌هاست. طبق توضیح جاجرمی، برای فال گرفتن با این فال‌نامه به دو تن نیاز است. شخص اول که قرار است فال او گرفته شود، پس از نیت، با انگشتان یک دست عددی بین ۱ تا ۵ را نشان می‌دهد و سپس شخص دوم همین کار را انجام می‌دهد. در این روش، اعداد به ۲۵ حالت در کنار هم قرار می‌گیرند. هریک از این حالت‌ها در یک دوبیتی توضیح داده شده‌اند و بر خیر یا شر بودن کاری یا تصمیمی دلالت دارند و تردید فال‌گیرنده درمورد آن کار یا تصمیم را برطرف می‌کنند.^۲

برای روشن‌تر شدن موضوع، یک بار شیوه فال گرفتن با این فال‌نامه را با هم مرور می‌کنیم. تصور کنید می‌خواهید کاری را انجام دهید، اما درباره خیر و شر بودن آن تردید دارید. برای رفع تردید خود به این فال‌نامه مراجعه می‌کنید. از آنجا که فال گرفتن با این فال‌نامه به دو نفر نیاز دارد، در آغاز باید از کسی دیگر بخواهید که در این کار به شما کمک کند. پس از پیدا شدن نفر دوم، نیت می‌کنید و با انگشتان یک دست مثلاً عدد ۱ را نشان می‌دهید. نفر دوم هم همین کار را انجام می‌دهد و از قضا او هم عدد ۱ را نشان می‌دهد. در این مرحله فال‌نامه را باز می‌کنید و «فال یک و یک» را می‌خوانید:

فال یک و یک نکو برآمد کاردت ز نکو نکوتر آمد

این کار بکن از آنکه خصمت از پای فتاد و بر سر آمد

طبق فال‌نامه، فال یک و یک بسیار نیکوست؛ بنابراین کاری که می‌خواهید انجام دهید خیر است و نابودی دشمنان شما را در پی دارد.

۲-۳. زبان

نخستین طبع آزمایی‌های جاجرمی در خراسان بود، اما بیشتر عمر را در عراقِ عجم و در مصاحبت با شاعرانی چون امامی هروی و مجد همگر گذراند؛^۳ از این رو سبک شعری او به شیوه عراقی نزدیک‌تر و زبان او نسبتاً سخته و منسجم است. کاربرد صنایع بدیعی و پرداختن به تفنن‌های ادبی از ویژگی‌های اصلی شعر اوست و فضل و مهارتش در این زمینه از دیرباز مشهور بوده است (سمرقندی، ۱۳۱۸ق، ص. ۲۱۹؛ کاشانی، ۹۹۹ق، ص. ۳۱۹).^۴ با این همه، در *فال‌نامه* نشانی از این پختگی و چیره‌دستی به چشم نمی‌خورد. زبان او در این منظومه بسیار ناپخته است؛ چنان‌که گویی شاعری تازه‌کار و ناآزموده تمرین سخنوری می‌کند. در حالی که به احتمال بسیار این منظومه در دوره پختگی و اوج شاعری جاجرمی، یعنی ایام حضور او در دربار بهاءالدین محمد (م ۶۷۸ق)، سروده شده است، زیرا سه بیت از آن به مدح بهاءالدین اختصاص دارد. البته در این دآوری، باید این را هم در نظر بگیریم که دو نسخه شناخته‌شده از این اثر مغلوپ و مصحف‌اند و حتی یکی از آن دو آسیب دیده و بخشی از ابیات در آن محو شده‌اند و باید در صحت برخی ضبط‌ها تردید کرد. همچنین نباید فراموش کنیم که خواننده این منظومه‌ها عامه مردم‌اند و طبعاً سراینده باید بضاعت علمی و ادبی آنان را هم در نظر بگیرد و با زبانی ساده و روشن با ایشان سخن بگوید.

۳-۳. نسخه‌ها

تا امروز دو نسخه از فال‌نامه جاجرمی شناخته‌ایم:

- (پ) نسخه کتابخانه ملی پاریس به شماره ۳۳۶۵ (De slane, 1883-1895, p. 588؛ افشار، ۱۳۵۸، ج. ۹/ص. ۲۹۸؛ ریشار، ۱۳۸۳، ص. ۷۲) که مجموعه‌ای است در ۱۹۸ برگ ۱۵ سطری به خط نسخ شامل منتخب روضه‌الناظر و نزهة‌الخاطر از عزالدین عبدالعزیز کاشانی (درباره این اثر ر.ک. نوریان، ۱۳۸۶، ص. ۳۳؛ حائری، ۱۳۸۳، ص. ۳۸۷)، مطلوب کل طالب از رشیدالدین وطواط (درباره این اثر ر.ک. وطواط، ۱۳۶۵، ص. ۱۹)، کتاب اختلاج از بدرالدین جاجرمی (درباره این اثر ر.ک. جاجرمی، ۱۳۳۷-۱۳۵۰، ج. ۲/ص. ۸۶۱)، گنج گوهر از سراینده‌ای ناشناس (۳۴ قطعه سه‌بیتی با مضمون توصیه‌هایی اخلاقی)، قسمیات (۱۲ رباعی از نوع سوگندنامه‌های مرسوم)، قطعه مشهور انوری: در حدود ری یکی دیوانه بود / سال و مه کردی به سوی دشت گشت ... (انوری، ۱۳۳۷-۱۳۴۰، ج. ۲/ص. ۵۷۵)، ابیاتی از لیلی و مجنون نظامی، پندنامه انوشروان عادل از گفتار امیر حکیم برهانی (درباره این اثر ر.ک. صادقی، ۱۳۸۴، ص. ۴۱)، توحید باری تعالی (گزیده‌ای از اشعار سعدی)، فال از گفته بدر جاجرمی.
- فال‌نامه جاجرمی در سال ۷۶۴ق (ترقیمه: خامس عشر شوال سنه اربع و ستین و سبعمائه) در ۵ برگ (۱۹۵پ - ۱۹۹پ) کتابت شده است.
- (م) نسخه کتابخانه ملی به شماره ۱۷۸۱۶ که در واقع روایات داراب هرمزدیار (درباره این اثر ر.ک. دالوند، ۱۳۸۸، ص. ۲۴۷؛ خطیبی، ۱۳۹۶، ص. ۲۸۶) است و در پایان آن سه فال‌نامه منظوم آمده است. فال‌نامه‌ها را شخصی به نام فولاد کرب به سال ۱۱۱۳ در هند به خط نستعلیق در ۴ صفحه مختلف‌السطور کتابت کرده است و بخش‌هایی از متن آن‌ها را مورخانه خورده یا بر اثر رطوبت محو شده‌اند. به‌دلیل الصاق

کهن‌ترین فال‌نامه منظوم فارسی _____ عباس بگ‌جانی

این بخش به *روایات داراب* و نیز زرتشتی بودن کاتب، عنوان آن را در فهرست کتابخانه (وبگاه کتابخانه ملی) *فال‌نامه زردشتی* نوشته‌اند، در حالی که این فال‌نامه‌ها هیچ ارتباطی با دین زرتشتی ندارند. فال‌نامه نخست، اثر بدر جاجرمی است و درباره آن توضیح دادیم. فال‌نامه دوم، ۱۶ بیت با عنوان *فال‌نامه جاماس حکیم*^۵ و نوعی فال‌نامه اعداد است که در آن، باقی‌مانده اعداد، هریک معرف یکی از سیارات یا ستارگان یا اشکال آسمانی‌اند و وضع و حال صاحب فال را بیان می‌کنند. فال‌نامه سوم هم از نوع انامل و چهار بیت است و شیوه فال گرفتن با آن چندان روشن نیست. معصومه باقری حسن‌کیاده و مهناز حشمتی متن این سه فال‌نامه را براساس همین نسخه در مجله فرهنگ و ادبیات عامه چاپ کرده‌اند و آن‌ها را برگرفته از متون ایرانی دوره میانه محسوب کرده‌اند (باقری حسن‌کیاده و حشمتی، ۱۳۹۳، ص. ۱). فارغ از این اشتباه، به دلیل معیوب بودن نسخه، نویسندگان نتوانسته‌اند صورت صحیح و منقحی از متن فال‌نامه‌ها به دست دهند.

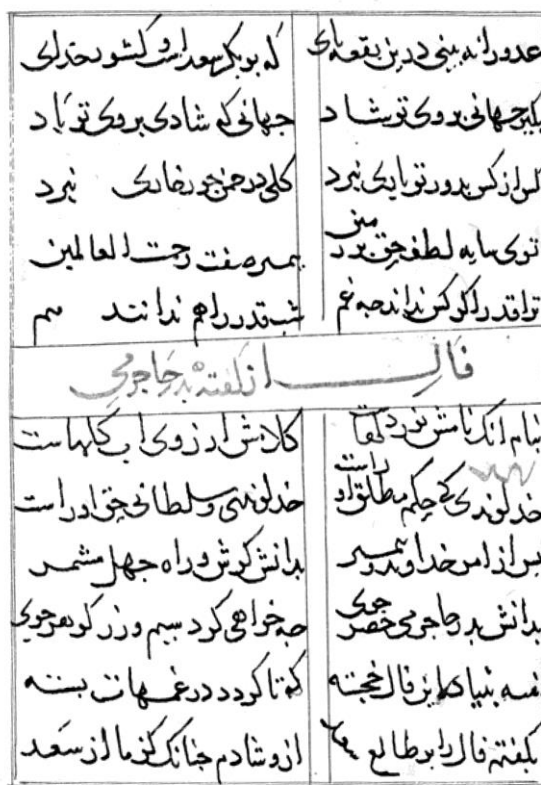
۳-۴. شیوه تصحیح

نسخه «پ» (کتابخانه ملی پاریس) در مقایسه با نسخه «م» (کتابخانه ملی) امتیازاتی دارد: ۳۴۹ سال زودتر کتابت شده است، ضبط‌های آن صحیح‌ترند، سالم است و مانند نسخه کتابخانه ملی دچار رطوبت‌زدگی یا موریه‌خوردگی نشده است، کامل‌تر است و مقدمه ۲۱ بیتی جاجرمی را دارد؛ بنابراین برتری آن آشکار است و در تصحیح متن اساس قرار گرفته است. نسخه «م» نیز در خوانش بعضی ابیات سودمند بوده و چند جا که

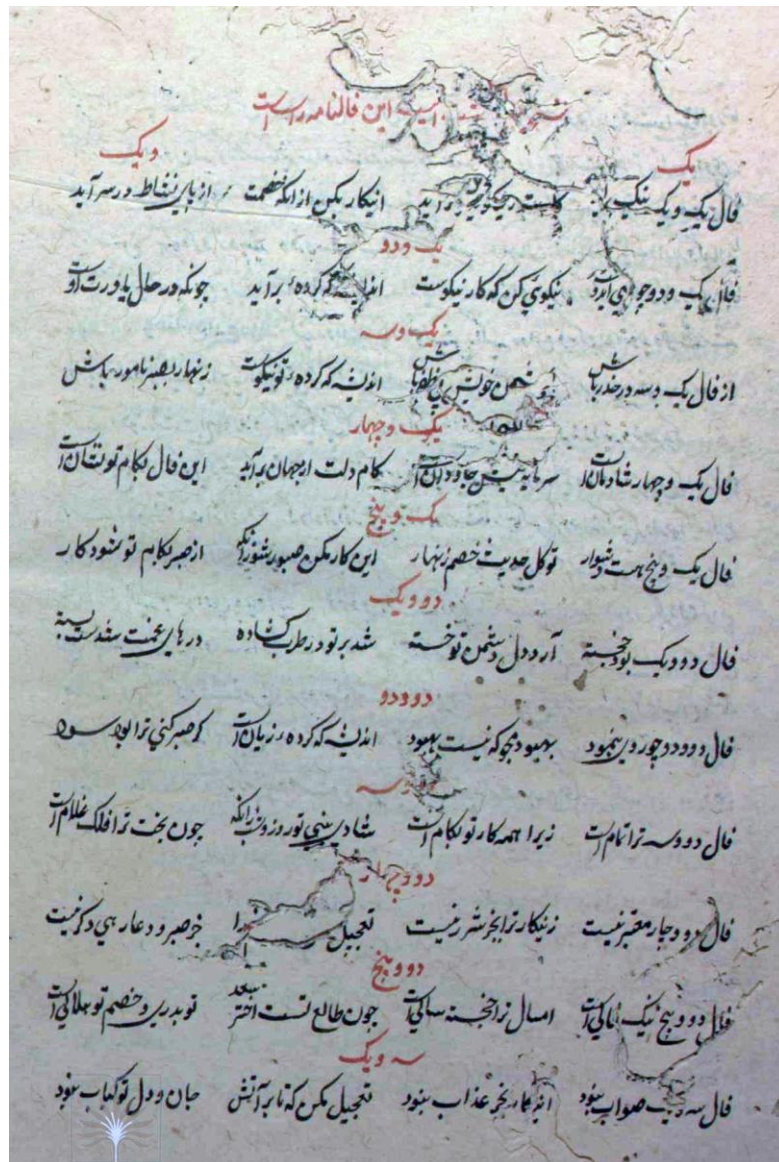
ضبط‌های «پ» تحریف شده یا غلط مسلم بوده‌اند، صورت درست متن را حفظ کرده یا به آن راه نموده است.

رسم‌الخط نسخه‌ها تا جایی که خللی در خوانش و فهم متن ایجاد نمی‌کرد و خواننده امروزی را به سختی نمی‌انداخت، حفظ شد و در باقی موارد از دستور خط فرهنگستان پیروی کردیم.

۳-۵. تصویر نسخه‌ها



نسخه «پ» (کتابخانه ملی پاریس)



نسخه «م» (کتابخانه ملی ایران)

۳-۶. متن

فال از گفته بدر جاجرمی^۶

به نام آن که نامش نور دل‌هاست
خداوندی که حکم مطلق او راست
پس از امر خداوند و پیمبر
به دانش، بدر جاجرمی، حَضَرَ^۸ جوی
بینه بنیاد این فال خجسته
بگفتم فال را بر طالع سعد
اگر اندیشه‌ای خواهی بدانی
بکن اندیشه این کار با خود
به یک دست به فرمان الهی
کسی دیگر که در پیش تو باشد
بگو انگشت خود را هم تو بردار
کسی کانگشت خود اول نماید
چنان کن فی‌المثل شخصی دو انگشت
نماید شخص دیگر هم دو از پس
یکی اول بگیرد آنگهی دو
اگر خواهی یکی و چار بنمای
تو را چندان که می‌خواهی همی گیر
نکو فالی است این را معتبر دار
چو دیدار بهای دنیی و دین^{۱۲}

کلامش آرزوی آب [و] گل‌هاست
خداوندی و سلطانی حق او راست
به دانش کوش و راه جهل مسپ^۷
چه خواهی کرد سیم و زر؟ گهر^۹ جوی
که تا گردد در غم‌هاست بسته
از او شادم چنانک کز ما از سعد (۴)
که غم خواهد بُدن یا شادمانی
اگر خواهی بدانی نیک از بد
برآر انگشت را چندان که خواهی
اگر بیگانه یا خویش تو باشد
اگر خواهی یکی، دو یا سه و چار^{۱۰}
ز فال انگشت او اول برآید
نماید اول و محکم کند مشیت
بدان تا بازگیرد فال هر کس
که تا دانی حقیقت فال را تو
اگر خواهی چهار و پنج بگشای
ولیکن این [...] گفتم به تقریر
به نیکویی بر این فال نظر دار
بیا بنگر خجسته فال من بین

سپهدار جهان دستور عادل
سعدت هم‌نشینش باد پیوست
فال یک و یک
چو دولت کام‌ران، چون عقل کامل
به فضل ایزدش معنیش پیوست

فال یک و یک و یک نکو برآمد^{۱۳}
این کار بکن از آنکه خصمت
فال یک و دو^{۱۶}
کارت ز نکو نکوتر آمد^{۱۴}
از پای فتاد و بر سر آمد^{۱۵}

فال یک و دو^{۱۷} چو بینی ای دوست
اندیشه که کرده‌ای برآید
فال یک و سه
نیکویی کن که کار نیکوست
چون در همه کار^{۱۸} یاورت اوست

از فال یک و سه بر^{۱۹} حذر باش
اندیشه که کرده‌ای برآید^{۲۱}
فال یک و چهار
از دشمن خویش دورتر^{۲۰} باش
زنهار به صبر نامور باش

فال یک و چهار شادمانی است
کام دلت از جهان برآید
فال یک و پنج
سرمایه عیش^{۲۲} جاودانی است
این فال به کام دل^{۲۳} نشانی است

فال یک و پنج هست دشوار
این کار مکن، صبور شو ز آنک
فال دو و یک
کز وی به حدیث^{۲۴} خصم زنهار
از صبر به کام تو شود کار

فال دو و یک بود خجسته
شد بر تو در طرب گشاده
فال دو و دو
گردد^{۲۵} دل دشمن تو خسته
درهای غم تو شد بسته^{۲۶}

فال دو و دو چو روی بنمود
بهبود مجو^{۲۷} که نیست بهبود

زین اندیشه تو را ^{۲۸} زیان است	گر صبر کنی تو را بود سود
فال دو و سه	
فال دو و سه تو را تمام است	زیرای که ^{۲۹} کار تو به کام است
شادی بینی تو روز و شب زآنک	چون بخت تو را فلک غلام است
فال دو و چهار	
فال دو و چار معتبر نیست	زین کار تو را به جز ضرر ^{۳۰} نیست
تعجیل مکن که تیر غم را ^{۳۱}	جز صبر و دعا دگر سپر ^{۳۲} نیست
فال دو و پنج	
فال دو و پنج نغز ^{۳۳} فالی است	امسال تو را خجسته سالی است
چون طالع توسست اختر سعد	تو بدری و خصم تو هلالی است
فال سه و یک	
فال سه و یک صواب نبود	زین ^{۳۴} کار به جز عذاب نبود
تعجیل مکن که تا بر آتش	جان و دل تو کباب نبود
فال سه و دو	
فال سه و دو چو می نماید	اندیشه که کرده ای بر آید ^{۳۵}
بر تو در غم فلک ببندد ^{۳۶}	درهای ^{۳۷} نشاط برگشاید ^{۳۸}
فال سه و سه	
از فال سه و سه دور می باش ^{۳۹}	ز اندیشه خود نفور می باش
تا بهر ^{۴۰} سعادت بر آید ^{۴۱}	یک ماه دگر صبور می باش
فال سه و چهار	
فال سه و چار اگر بدانی	فالی است امید شادمانی
کارت به مراد دل شود زود	می کن به مراد زندگانی

فال سه و پنج

فال سه و پنج را دوا^{۴۲} نیست
اندیشه تو به جز خطا نیست
از صبر تو شاد کام گردی^{۴۳}
چه توان کردن چو آن تو را^{۴۴} نیست

فال چهار و یک

فال تو چهار و یک برآمد
اقبال تو را ز در درآمد
اندیشه که کرده‌ای [تو] نیکوست^{۴۵}
شاخ طربست^{۴۶} که در بر آمد

فال چهار و دو

از فال چهار و دو چه خواهی
بیهوده مکن چنین تباهی
این کار به ترک گیر تا بوک^{۴۷}
یابی تو عنایت الهی

فال چهار و سه

از فال چهار و سه طرب بین
شادی و نشاط روز و شب بین
کار تو به کام توسست امروز
ناکامی خصم بی‌ادب^{۴۸} بین

فال چهار و چهار

هر فال که چار و چار بینی
از گلبن عیش خار بینی^{۴۹}
اندیشه که کرده‌ای رها کن
تا دولت کار و بار بینی

فال چهار و پنج

هر فال که چار و پنج باشد
دانی که مراد و گنج باشد^{۵۰}
تو کام و مراد شاد باشی^{۵۱}
خصم تو قرین رنج باشد^{۵۲}

فال پنج و یک

فالی که ز پنج و یک خبر داد
پیغام ز بخت نامور داد
با برگ و نوا شود تو را کار^{۵۳}
چون دولت گلبن تو بر داد

فال پنج و دو

فالی که ز پنج و دو نشان داد زنه‌ار دلت مکن از آن^{۵۴} شاد
اندیشه که کرده‌ای رها کن تا بوک غم دلت بُرد باد^{۵۵}
فال پنج و سه

فالت چو ز پنج و سه پدید است انگشت عدو ز غم گزیده است
بگشا در کام را که این فال اکنون در کام را کلید است
فال پنج و چهار

فالی که بود ز پنج وز چار ز آن فال بود نشان تیمار^{۵۶}
اندیشه به ترک گیر ده روز^{۵۷} تا بوک به کام تو شود کار
فال پنج و پنج

فالی که ز پنج و پنج خیزد ز آن فال مراد و گنج خیزد
تو بر سر گنج شاد بنشین^{۵۸} تا خصم قرین رنج^{۵۹} خیزد
تمام شد فال از گفته بدر جاجرمی

خامس عشر شوال سنه اربع و ستین و سبعمائه

والحمد لله رب العالمین

ختم بالخیر

۴. نتیجه

بدرالدین جاجرمی در قرن هفتم فال‌نامه‌ای را در ۷۱ بیت به نظم درآورده و در آن روش فال گرفتن با انگشت را توضیح داده است. سروده او کهن‌ترین فال‌نامه منظوم فارسی است که می‌شناسیم و دیگر فال‌نامه‌های فارسی که در دست‌اند، از قرن هشتم

کهن‌ترین فال‌نامه منظوم فارسی _____ عباس بگ‌جانی

به این سو نوشته یا سروده شده‌اند. ضمن اینکه نمونه‌های برجای‌مانده از این نوع فال‌نامه انگشت‌شمارند و این ارزش اثر جاجرمی را دوچندان می‌کند. تا امروز دو دستنویس از این فال‌نامه به دست آمده است که یکی در کتابخانه ملی پاریس و دیگری در کتابخانه ملی ایران نگهداری می‌شوند. از این دو، دستنویس کتابخانه ملی پاریس با توجه به امتیازاتی که دارد معتبرتر و ارزشمندتر است.

پی‌نوشت‌ها

۱. بهاء‌الدین فرزند بزرگ شمس‌الدین محمد بود که اباقا، فرزند و جانشین هلاکوخان، در سال ۶۶۳ق حکومت اصفهان و بخشی از عراق عجم را به او سپرد. شیوه سخت‌گیرانه او در حکومت و بی‌رحمی‌هایش که نمونه‌هایی از آن‌ها در مآخذ آمده، اصفهان را به یکی از امن‌ترین شهرهای ایران بدل کرده بود. او در بیست‌وشش سالگی و در زمان حیات پدرش درگذشت. بهاء‌الدین سنگ‌دل، اما بسیار سخاوتمند و بخشنده بود و چون در کودکی و نوجوانی به دانش‌اندوزی پرداخته بود، توجه خاصی به دانشمندان و ادیبان و شاعران داشت. اصفهان در روزگار حکومت او، یکی از مراکز تجمع اهالی علم و ادب بود. مجد همگر (م ۶۸۶ق)، امامی هروی (م ۶۸۶ق) و پوربهای جامی ازجمله شاعران برجسته آن عصرند که اشعاری در مدح بهاء‌الدین سروده‌اند. از میان دانشمندان نیز خواجه نصیرالدین طوسی ثمره بطلمیوس و شاگرد مشهور او قطب‌الدین محمود شیرازی (م ۷۱۰ق) *نهایه‌الادراک فی درایه‌الافلاک* را به نام او ترجمه و تألیف کرده‌اند (ر.ک. همدانی، ۱۳۷۳، ج. ۱۰۶۱/۲ ص؛ شیرازی، ۱۳۶۹ق، ص. ۶۰؛ صفا، ۱۳۷۸، ج ۱-۳/ص. ۴۲).

۲. قالب و وزن مقدمه و متن اختیارات قمر، اثر دیگر جاجرمی، نیز متفاوت است. مقدمه در قالب غزل و بحر رمل است و متن در قالب دوبیتی‌های پیوسته و بحر هزج (جاجرمی، ۱۳۹۷، ص. ۳۴۱).

دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه _____ سال ۱۱، شماره ۵۳، آذر و دی ۱۴۰۲

۳. تذکره‌نویسان مجد همگر را استاد جاجرمی برشمرده‌اند (سمرقندی، ۱۳۱۸ق، ص. ۱۷۴؛ کازرونی، ۱۳۸۶، ص. ۲۷۱؛ کاشانی، ۹۹۹ق، ص. ۳۱۹). در دیوان جاجرمی نیز، دو قطعه در ذکر تاریخ وفات مجد همگر و امامی هروی دیده می‌شود (جاجرمی، ۱۳۹۷، صص. ۳۱۲-۳۱۳).

۴. جاجرمی چند قصیده‌مصنوع در مدح اشخاص مختلف سروده و در آن‌ها تفنّن‌های ادبی از قبیل توشیح، تعبیه ابیات و عبارات در درون شعر، برخورداری از چند نوع وزن و قافیه، قابلیت تبدیل به چند قالب و ... را به اوج رسانده است. سلسله رباعیاتی نیز جداگانه سروده و در هریک صنعتی بدیعی گنجانده است (ر.ک. جاجرمی، ۱۳۹۷، ص. ۳۱۶).

۵. دانشمند نیمه‌افسانه‌ای ایران پیش از اسلام که در متون پس از اسلام نام او را به صورت‌هایی چون جاماسب، جاماسپ، جامسف و جاماس آورده‌اند. در منابع تاریخی و اسطوره‌ای از چند جاماسب نام برده‌اند و گزارش احوال آنان را با هم درآمیخته‌اند و این شناسایی آنان را دشوار کرده است. مشهور این است که جاماسب حکیم وزیر گشتاسپ بوده که در *اوستا* یاد و شخصیت او ستوده شده و در متن‌های ایران پیش از اسلام پیش‌بینی‌هایی به او نسبت داده‌اند (ر.ک. قاسملو، ۱۳۸۴، ج. ۹/ص. ۲۹۸).

۶. م: نسخه فال؟ انگشت این است. این فال‌نامه راست است.

۷. اصل: مشمر (!)

۸. اصل: حصر؛ حضر: حضور قلب و تمرکز ذهن؛ متضاد پریشانی و تشتت ذهن.

۹. اصل: گوهر

۱۰. اصل: چهار

۱۱. کلمه محذوف می‌تواند «سخن» باشد.

۱۲. اصل: دنیا و دین؛ دیدار بهای دینی و دین: چهره بهاءالدین محمد، ممدوح جاجرمی.

۱۳. م: نیک برآید

۱۴. م: کارت؟ ز نکو ...؟ برآید؛ «م» ابیات پیشین را ندارد.

۱۵. م: از پای نشاط در سر آید؛ بر سر آمدن: سرنگون شدن، نابود شدن.

۱۶. پ: دو و دو (!)

۱۷. پ: دو و دو (!)

۱۸. م: چون که در حال

۱۹. م: در

۲۰. م: خویش بی‌ظفر

۲۱. م: کرده‌ای تو نیکوست

۲۲. پ: عیش و

۲۳. م: تو

۲۴. م: توکل حدیث

۲۵. م: آرد

۲۶. م: درهای غمت شده است بسته

۲۷. پ: مجوی

۲۸. م: اندیشه که کرده‌ای

۲۹. م: زیرا همه

۳۰. م: شرر

۳۱. م: تعجیل ... را

۳۲. م: دعا رهی دگر

۳۳. م: نیک

۳۴. م: این

۳۵. برآمدن: حاصل شدن، میسر شدن.

۳۶. م: بر تو ...؟

۳۷. م: ...ی؟

۳۸. پ (بالای بر): تو

۳۹. پ: سه بر حذر باش؛ م: فال سه و سه تو دور می باش؛ متن با توجه به نسخه «م».

۴۰. بهر: بهر، نصیب.

۴۱. م: تا ...؟

۴۲. م: دعا

۴۳. م: تو شادمان بگردی

۴۴. م: الحال بدان که وقت آن

۴۵. م: اندیشه نکوست در بر آید

۴۶. م: طرب

۴۷. م: این کار به صبر می بر آید

۴۸. پ: بی خرد (!)

۴۹. م: از دیدن عیش خار چینی

۵۰. م: خصم تو قرین رنج باشد

۵۱. م: با کام و مراد شاد می باش

۵۲. م: زآن فال مراد و گنج باشد

۵۳. پ: کام (!)

۵۴. م: زآن جان و دلت مکن از او

۵۵. پ: دلت شود شاد (!): م: تا برگ غم دلت برد باد؛ متن با توجه به نسخه «م».

۵۶. تیمار: غم و اندوه.

۵۷. م: ترک روز کردی

۵۸. م: دولت به تو روی خواهد آورد

۵۹. م: کارت به مراد و گنج

منابع

- افتخاری، ن. (۱۳۹۸). فال و فال‌گیری. *دانشنامه فرهنگ مردم ایران*. زیر نظر سید کاظم موسوی بجنوردی. ج ۶. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- افشار، ا. (۱۳۸۳). فال‌نامه. فرهنگ مردم. ۱۰، ۷۶-۸۱.
- افشار، ا. و دانش‌پژوه، م.ت.، و منزوی، ع. (۱۳۴۶). فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی. ج ۱۲. تهران: مجلس شورای ملی.
- افشار، ا. و دانش‌پژوه، م.ت. (۱۳۵۸). نسخه‌های خطی: نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. دفتر ۹. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- انوری، ا. (۱۳۳۷-۱۳۴۰). دیوان. تصحیح محمدتقی مدرس رضوی. ج ۲. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- باقری حسن‌کیاده، م.، و حشمتی، م. (۱۳۹۳). پیشگویی و طالع‌بینی در متون ایرانی دوره میانه. *فرهنگ و ادبیات عامه*، ۳، ۱-۲۴.
- پوراکبر، آ. (۱۳۹۸). فال‌نامه. *دانشنامه فرهنگ مردم ایران*. زیر نظر سید کاظم موسوی بجنوردی. ج ۶. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- جاجرمی، ب. (۱۳۹۷). دیوان بدر جاجرمی. تصحیح ع. بگ‌جانی. متون ایرانی، دفتر چهارم. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- جاجرمی، م. (۱۳۳۷-۱۳۵۰). *مونس الاحرار فی دقائق الاشعار*. تصحیح م. طبیبی. ج ۲. تهران: انجمن آثار ملی.
- خطیبی، ا. (۱۳۹۶). روایات داراب هرمزدیار. *فرهنگ آثار ایرانی-اسلامی*. ج ۴. تهران: سروش.

دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه _____ سال ۱۱، شماره ۵۳، آذر و دی ۱۴۰۲

دالوند، ح.ر. (۱۳۸۸). روایات داراب هرمزدیار و دستنویس کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

پیام بهارستان، ۵، ۲۴۷-۲۶۰.

دانش پژوه، م.ت. (۱۳۴۸). فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. ۳ج. تهران:

انتشارات دانشگاه تهران.

درایتی، م. (۱۳۹۰). فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا). ۴۵ج. تهران: سازمان اسناد و

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

ریشار، ف. (۱۳۸۳). جلوه‌های هنر پارسی. ترجمه ع. روح‌بخشان. تهران: وزارت فرهنگ و

ارشاد اسلامی.

سمرقندی، د. (۱۳۱۸ق). تذکره الشعرا. تصحیح ادوارد براون. لیدن: بریل.

شیرازی، ع. (۱۲۶۹ق). وصاف‌الحضرة (تجزیة‌المصار و تجزیة‌الأعصار). تصحیح م.م. اصفهانی.

۵ج. بمبئی.

صادقی، ع.ا. (۱۳۸۴). متنی منظوم از پندنامه انوشیروان به خط داراب هرمزدیار. نامه ایران

باستان، ۹-۱۰، ۴۱-۵۴.

صفا، ذ. (۱۳۷۸). تاریخ ادبیات در ایران. ۸ج. تهران: فردوس.

صفی، ف. (۱۳۳۶). لطائف الطوائف. تصحیح ا. گلچین معانی. تهران: اقبال.

طباطبایی، س.م. (۱۳۸۶). فهرست مختصر نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

عمادی حائری، م. (۱۳۸۳). عزالدین عبدالعزیز کاشی: شناسایی، کتاب‌شناسی، نسخه‌جویی.

نسخه‌پژوهی، دفتر دوم: ۳۸۱-۳۹۵.

قاسملو، ف. (۱۳۸۴). جاماسب حکیم. دانشنامه جهان اسلام. زیر نظر غلامعلی حداد عادل. ج

۹. تهران: بنیاد دائرةالمعارف اسلامی.

- کازرونی، ا. (۱۳۸۶). *سَلَمُ السَّمَوَاتِ*. تصحیح ع. نورانی. تهران: میراث مکتوب.
- کاشانی، ت. (۹۹۹ق). *خلاصه الاشعار*. نسخه خطی شماره ۱۶۷۶۹. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- نوریان، س.م.، و شریفی، غ.، و رشیدی آشجردی، م. (۱۳۸۶). *باغ نظر و رامش دل* (معرفی سفینه‌ای بی‌مانند از قرن هفتم). گوه‌رگویا، ۳، ۳۳-۶۲.
- وبگاه کتابخانه ملی (<https://www.nlai.ir>)
- وطواط، ر. (۱۳۶۵). *مطلوب کل طالب*. تهران: بنیاد نهج البلاغه.
- همدانی، ر. (۱۳۷۳). *جامع‌التواریخ*. تصحیح م. روشن و م. موسوی. ۴ج. تهران: البرز.

References

- Afshar, I. (2004). *Falnama. People's Culture*, 10, 76-81.
- Afshar, I., & Daneshpajuh, M. T. (1979). *Manuscripts*. Tehran University Press.
- Afshar, I., et al. (1967). *List of the library of the national assembly*. National Assembly.
- Anvri, A. (1961). *Diwan* (edited by MohammadTaghi Modarres-e Razavi). Book Translation and Publishing Company.
- Bagheri Hasankiadeh, M., & Heshmati, M. (2013). Prophecy and astrology in middle Iranian texts. *Popular Culture and Literature*, 3, 1-24.
- Dalvand, H. (2009). Narratives of Darab Hormozdyar and manuscripts of the library of the Islamic council. *Payam-e Baharestan*, 5, 247-260.
- Daneshpajuh, M. T. (1969). *List of microfilms of Tehran University central library*, vol. 3. Tehran University Press.
- De Slane, B. (1883–1895). *Département des manuscrits: catalogue des manuscrits arabes*. Bibliothèque nationale.
- Derayati, M. (2011). *Catalogers of Iranian manuscripts (Fankha)*. Organization of Documents and National Library of the Islamic Republic of Iran.
- Eftekhari, N. (2019). Fortune-telling. *Encyclopaedia of Iranian People's Culture*. Center for Islamic Encyclopaedia.

- Emadi Haeri, M. (2004). Izz al-Din Abd al-Aziz Kashi: identification, bibliography, copy search. *Copy Research*, 2, 381-395.
- Jajarmi, B. (2018). Diwan Badr-e Jajarmi (edited by Abbas Bagjani). In *Iranian Texts*, Vol. 4. Library, Museum and Document Center of the Islamic Council.
- Jajarmi, M. (1958-1971). *Munis al-Ahrar fi daqaiq al-Ashar*. National Art Association.
- Kashani, T. (999 AH). *Khulasat al-ashar*, manuscript number 16769. Library, Museum and Document Center of the Islamic Council.
- Kazeruni, A. (2017). *Sollam al-Samawat* (edited by Abdullah Nurani). Written Heritage.
- Khatibi, A. (2017). Narratives of Darab Hormozdyar. *Collection of Iranian-Islamic Works*, Vol. 4. Soroush.
- National Library Website (<https://www.nlai.ir>)
- Nuriyan, S. M., et al. (2017). an introduction to a unique anthology from the 7th century. *Gohar-e Guya*, 3, 33-62.
- Omidshah, M. (1995). Divination. *Encyclopædia Iranica*, Vol. VII, Fasc. 4, pp. 440-443.
- Pourakbar, A. (2019). Falnama. *Encyclopaedia of Iranian People's Culture*, vol. 6. Center for the Great Islamic Encyclopedia.
- Richard, F. (2004). *Splendeurs persanes: manuscrits du XIIIe au XVIIe siecle*, (translated into Farsi by A. Ruhbakhshan). Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Rieu, Ch. (1881). *Catalogue of the Persian manuscripts in the British museum*, Vol. 2. British Museum.
- Sadeghi, A. (2005). A verse text from Anushiravan's Pandanama in the handwriting of Darab Hormozdyar. *The Letter of Ancient Iran*, Vol. 9-10. 41-54.
- Safi, F. (1957). *Lata'if al-Tawaif* (edited by Ahmad Golchin Ma'ani). Iqbal.
- Samarkandi, D. (1318 AH). *Tazkirat al-shoara* (edited by Edward Brown). Brill.
- Tabatabai, S. M. (2007). *A brief list of manuscripts of the Islamic Council library*. Library, Museum and Document Center of the Islamic Council.
- Vatawat, R. (1986). *Matlub-i Koll-i Talib*. Nahj al-Balagha Foundation.